

A Critical Analysis of the Book *Alkafi Fel-Balagha: Al-Bayan va Al-Badii Val-Maani*

Mousa Arabi*

Abstract

In this study, we have critically analyzed the book "Alkafi Fel-Balagha: Al-Bayan va Al-Badii val-Maani" to introduce it to the academic community. This book is one of the didactic books in rhetoric sciences written by Imen Amin Abd-ol-Ghani. It has been analyzed by the content analysis method and the most significant results have been explained in terms of weak and strong points. A fluent language without misspelling and punctuation errors, distinction of the text with the proof of concept, exact diacritic of Quranic verses, hadiths, and poems, various proofs of concept and avoiding repetitive proofs of concept, variety of proofs of concept in form of text-based practices such as verses and hadiths and the poems of different era, exploiting the academic aspect of rhetoric in theological and interpretative issues, using the achievements in new rhetoric such as phonology and technical images, explaining proofs of concept such as verses and hadiths and the poems in depth are among the strong points of the book. However, the book has some weak points. Among these, lack of appropriate tables and figures, lack of an appropriate book cover design and also a suitable font for the words on the cover, and not observing the writing principles such as Manghoos and Maqsoore are to be mentioned.

Keywords: book analysis, old rhetoric, teaching rhetoric, Imen Abd-ol-Ghani, Alkafi Fel-Balagha.

* Assistant Prof. of the Dept. of Arabic Language and Literature, moosaarabi@yahoo.com

Date received: 2020-04-03, Date of acceptance: 2020-06-25

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

تحلیل و بررسی نقادانه کتاب الکافی فی البلاغة: البیان و البديع والمعانی

موسی عربی*

چکیده

در این جستار کتاب الکافی فی البلاغة: البیان و البديع والمعانی را که یکی از کتب آموزشی علوم بلاغی و اثر ایمن امین عبدالغنی است، به منظور معرفی به جامعه علمی، مورد تحلیل و بررسی نقادانه قرار دادیم. این اثر با روش تحلیل محتوا مورد نقد و بررسی قرار گرفته و مهم‌ترین نتایج در دو بخش نقاط قوت و کاستی‌های کتاب تبیین شده است. از مهم‌ترین نقاط قوت کتاب می‌توان به این موارد اشاره کرد: داشتن زبانی روان و بدون اغلاط املایی و نگارشی، تمایز اصل متن با شاهدمثال‌ها، اعراب‌گذاری دقیق آیات قرآنی و روایات و اشعار، وجود شاهدمثال‌های متنوع و اجتناب از شاهدمثال‌های تکراری، تنوع شاهدمثال‌ها در قالب تمرین کاربردی از متون مختلف، اعم از آیات و روایات و اشعار دوره‌های مختلف، استفاده از جنبه ذوقی و علمی بلاغت در مسائل دینی و فقهی و تفسیری، استفاده از دستاوردهای بلاغت جدید مانند آواشناسی و تصاویر فنی، توضیح شاهدمثال‌ها، اعم از آیات و روایات و اشعار، به شکل مفصل و واضح. از کاستی‌های کتاب می‌توان به فقدان جداول و نمودارهای مناسب، نداشتن طرح مناسب روی جلد، و هم‌چنین قلم نامناسب برای عبارات روی جلد، عدم رعایت نگارش یاء منقوص و مقصوره در برخی موارد اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: نقد کتاب، بلاغت قدیم، آموزش بلاغت، ایمن عبدالغنی، الکافی فی البلاغة.

۱. مقدمه

ضرورت تدریس بلاغت سنتی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دروس ادبیات عربی پیوسته مورد توجه مدرسان و علم‌جویان بوده است و به هیچ‌عنوان نمی‌توان این درس را از دروس

* استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شیراز، moosaarabi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۵

ادبیات عربی جدا کرد. اما مسئله‌ای که در حوزه آموزش با آن مواجهیم روش‌ها و شاهد مثال‌های تکراری و احیاناً بی‌روح است که مورد توجه صاحب‌نظران هم قرار گرفته است و بر آن تأکید داشته‌اند:

حقیقتاً باید گفت که درس بلاغت سنتی دارای تأثیر به‌سزایی در تحول نقد تا به امروز بوده است و هم‌چنان بیش‌تر قواعد آن اساس و پایه نقد به‌شمار می‌رود اما متأسفانه این قواعد در چهارچوب‌هایی خشک به نوآموزان ارائه می‌شود تا جایی که به ابزاری تفسیری ناکارآمد تبدیل شده‌اند (عبدالمطلب ۱۹۹۷: ۱).

در این میان، با توجه به اهمیت تعلیم و تعلم بلاغت سنتی، که بخش مهمی از میراث ادبی و نقدی زبان عربی به‌شمار می‌رود، تألیف کتاب‌های آموزشی متناسب با زبان روز بیش‌ازپیش خود را نشان می‌دهد.

نقد و بررسی کتاب‌های این عرصه، به‌ویژه کتاب‌هایی که با اهداف آموزشی نوشته می‌شوند، به رفع کاستی‌ها و برجسته‌کردن ویژگی‌های بارز کتاب‌های موجود کمک شایانی می‌کند.

یکی از این کتب کتاب *الکافی فی البلاغة: البیان والبدیع والمعانی* ایمن امین عبدالغنی است که خود او تجربه خوبی در عرصه آموزش زبان عربی دارد و در نزدیک به پانصد صفحه به رشته تحریر درآمده است.

این کتاب به پیش‌نهاد شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی برای ارزیابی انتخاب شده است و در این جستار نگارنده سعی دارد با معرفی، توصیف، و ارزیابی این کتاب در دو بخش شکلی و محتوایی به نقاط قوت و کاستی‌های کتاب پردازد تا علاقه‌مندان به عرصه تعلیم و تعلم علوم بلاغی بتوانند با شناختی جامع درباره کتاب، آن‌گونه که بایسته است، از اثر حاضر بهره ببرند.

۲. روش پژوهش

با توجه به این‌که پژوهش حاضر به درخواست شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی با هدف شناخت نقاط مثبت و کاستی‌های کتاب‌های موجود در حوزه علوم انسانی، به‌منظور بهبود کمی - کیفی - ارزشی منابع درسی علوم انسانی صورت گرفته است، سعی شد در نقد و بررسی کتاب از همان چهارچوب و روش درخواستی این شورا استفاده شود. این روش شامل معرفی، توصیف، و ارزیابی شکلی کتاب و تحلیل محتوای اثر است. قسمت

شکلی به مواردی چون مشخصات شناس نامه‌ای، معرفی و ارزیابی ساختار کتاب (بخش‌ها و فصول)، ویژگی‌های اثر، ویرایش ادبی و رعایت اصول علمی ارجاع‌دهی و کتاب‌نامه اشاره دارد. در بخش تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر، مواردی چون بررسی ابعاد آموزشی اثر (جامعیت و تناسب محتوا با اهداف درسی و مطابقت با سرفصل دروس، استفاده از ابزارهای علمی) و مسئله‌مندی کتاب و پاسخ‌گویی به نیازهای علمی، ارزیابی نظم منطقی و انسجام درونی بخش‌های مختلف کتاب، میزان استحکام استدلال‌ها، نوآوری و خلاقیت اثر مورد بررسی قرار گرفته است.

۳. سؤالات پژوهش

پژوهش پیش‌رو در نظر دارد به این سؤالات پاسخ دهد: ۱. جامعیت صوری اثر چگونه است؟ ۲. این اثر تا چه اندازه توانسته است نوآوری داشته باشد؟ ۳. نظر به سرفصل دروس مصوب وزارت علوم، ابعاد آموزشی اثر چگونه ارزیابی می‌شود و از نظر استفاده از ابزار آموزشی تا چه حد موفق عمل کرده است؟

۴. پیشینه پژوهش

در خصوص کتاب *الكافی فی البلاغة*، نوشته ایمن عبدالغنی، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است؛ هرچند آرای نحوی مؤلف در رساله‌ای با عنوان *فکره ایمن امین عبدالغنی فی إعادة بناء تدریس النحو* به رشته تحریر درآمده است (بنگرید به معز ۲۰۱۶).

۵. نقد و بررسی اثر

۱.۵ معرفی نویسنده و اثر وی

کتاب *الكافی فی البلاغة: البیان و البدیع والمعانی* اثر ایمن عبدالغنی است. ایمن عبدالغنی مدرک بین‌المللی ادبیات و استاد علوم زبانی دانشگاه اسلامی پاکستان دارد. وی بر برخی از کانون‌های آموزش زبان عربی در مصر و اندونزی و مالزی نظارت دارد. ایمن عبدالغنی کانون زبانی به نام ایمن امین در شهر کراچی پاکستان دارد.

ایمن امین بسیاری از جوایز و نشان‌های ملی و بین‌المللی را از آن خود کرد که از جمله آن‌ها می‌توان به جوایز اتحادیه‌هایی چون اتحادیه مینانج کابوین در اندونزی، اتحادیه

دانشجویان دانشکده زبان عربی در دانشگاه الازهر، و اتحادیه سونجو اشاره کرد. او هم‌چنین در مهارت‌های زبانی، نشان مهارت شنیدن و تکلم را از جنوب شرق آسیا از آن خود کرده است (عبدالغنی بی‌تا).

وی تألیفات متعددی در حوزه زبان عربی دارد، کتاب *الموسوعة الشاملة فی الصرف والنحو* یکی از آثار وی است. این کتاب مجموعه‌ای هشت‌جلدی است و تمرین‌هایی دارد که می‌توان از آن برای سطوح مبتدی و پیش‌رفته بهره جست. کتاب دیگر عبدالغنی در زمینه نحو کتاب *النحو الکافی* است که نویسنده در این کتاب سعی کرده است به همان روش طرف‌داران نحو آسان برود و قواعد پیچیده نحوی را آسان کند. او در این کتاب با استشهاد به شواهد قرآنی، حدیثی، شعری، و امثال و هم‌چنین با استفاده از جدول‌ها و خلاصه مباحث و تمارین در این راستا قدم برداشته است.

دیگر اثر مهم ایمن عبدالغنی کتاب *الکافی فی البلاغة: البیان و البدیع والمعانی* است. ایمن عبدالغنی درباره این کتاب می‌گوید تلاش کرده است تا علوم بلاغت (بیان - بدیع - معانی) را به دور از پیچیدگی‌ها و شاهدمثال‌های ساختگی‌ای که نزد معاصران هیچ‌گونه کاربردی ندارد شرح دهد (عبدالغنی بی‌تا: ۹).

از دیگر آثار او می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد:

صرف و نحو: الکافی فی شرح ألفیة ابن مالک، ملخص قواعد اللغة العربیة، الکافی فی شرح الأجرومیة؛

بلاغت: الکافی فی شرح البلاغة العربیة؛

مهارت‌های زبانی: فنون الإملاء والكتابة، الکافی لتعلیم القرائة والكتابة، الکافی فی مهارت المعلم وأخلاقیات المهنة؛

قرآن: الکافی فی إعراب القرآن و تفسیره، الأیمان والندور فی ضوء القرآن والسنة؛

۲.۵ جامعیت صوری اثر

طراحی جلد اثر تناسبی با موضوع ندارد. قلمی که با آن اسم نویسنده و کسانی که بر اثر مقدمه‌ای نوشته‌اند به گونه‌ای است که مخاطب را در نگاه اول دچار تشویش ذهنی می‌کند. به‌ویژه این که نوشته‌ها با طراحی روی جلد تداخلی ایجاد کرده که به واضح نبودن آن دامن زده است. مسئله دیگر اطلاعات مربوط به کتاب است که به سال چاپ و نوبت چاپ اشاره نشده است.

فونت متن اثر با قلمی درشت به گونه‌ای انتخاب شده که در اولین نگاه به خوبی قابل خواندن است و هم‌چنین اعراب‌گذاری شاهدمثال‌ها، به‌ویژه اشعار و احادیث، به روانی اثر کمک کرده است. تفاوت قلم آیات و احادیث و اشعار در بازیابی شاهدمثال‌ها تأثیر به‌سزایی دارد و ماندگاری آن در ذهن خواننده بیش‌تر خواهد بود.

این کتاب سه مقدمه مؤلف و سه مقدمه دیگر صاحب‌نظران و استادان دارد. نویسنده در مقدمه اولین چاپ جایگاه بلاغت به زبان عربی را به‌مثابه جایگاه سر در بدن می‌داند و می‌گوید: «فإن موضع البلاغة من العربية موضع الرأس من الإنسان، فهي مستودع سرها، ومظهر جلالها، ولذا فقد اتجهت همم العلماء والباحثين في مختلف العصور إلى التأليف فيها، وبسط القول في بيان مراميها» (عبدالغنی بی تا: ۷). در این مقدمه، مؤلف به نکته قابل‌توجهی اشاره ندارد فقط در این‌که هدف بلاغت تصنیف قواعدی در قالبی خشک در برابر عقل‌های واپس‌گرا و خشکیده بوده باشد تردید جدی ایجاد می‌کند و به انعطاف و ظرفیت گسترده زبان عربی در مقایسه با سایر زبان‌ها اشاره دارد. عبدالغنی در مقدمه چاپ جدید به‌شکلی تفصیلی‌تر هدف خود از تألیف این کتاب را بیان می‌دارد:

فهذا الكتاب على أربعة أبواب، يشمل: (التمهيد- علم البیان- علم البدیع- علم المعانی- تطبيقات - تدریبات) جاءت مادته بلغة واضحة مشوقة، دون تعقيد أو حشو، وقد اختيرت أمثله وشواهد ناصعة بارعة في توضيح القاعدة إلى جانب ما تتمتع به، من سمو التعبير، وروعة الأسلوب، وجمال الأداء (عبدالغنی بی تا: ۶).

این کتاب نیز سه مقدمه از رشدی طمیمه، استاد روش تدریس زبان عربی در دانشگاه‌های دمیاط و منصوره و سلطان بن قابوس، و هم‌چنین فتحی حجازی، استاد بلاغت دانشگاه الازهر، و شیخ یاسر برهامی، مبلغ معروف اسلامی، دارد که هرکدام از این اشخاص توضیحاتی در خصوص کتاب و ویژگی‌های آن داده‌اند.

اثر فهرست تفصیلی محتوای کتاب دارد که در پایان آمده است. از ویژگی‌های مثبت این کتاب تمارین آخر هر فصل است و هم‌چنین در پایان کتاب تمارینی کلی با عنوان «تدریبات عامه» در نظر گرفته شده و هر تمرین به‌شکل متنوعی از احادیث و اشعار استفاده کرده است. قبل از ورود به این بخش، نویسنده بخشی را با عنوان «تطبيقات عامه» قرار داده که پاسخ آن‌ها را به‌شکل تفصیلی داده است.

فصل‌بندی اثر همان فصل‌بندی کتاب‌های بلاغت قدیمی در سه بخش بیان، بدیع، و معانی است که موارد ذکرشده در ذیل هرکدام همان مباحث مطرح‌شده در سایر کتب است و تنظیم فصول نیز به‌شیوه تقسیم‌بندی قدما صورت گرفته است.

اثر جدول، تصاویر، اهداف دروس، خلاصه فصول، جمع‌بندی، و خلاصه کتاب و هم‌چنین نمایه و کتاب‌شناسی ندارد.

اثر از اشتباهات املائی و نگارشی به‌دور است. فقط در مواردی مشاهده می‌شود که کتابت بیا منقوص و الف مقصوره به‌شکل صحیح ثبت نشده است؛ که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود: ینقسم الأسلوب إلى: أسلوب خبری. أسلوب إنشائی (۲۲۹)، نوع قیاسی أو اصطلاحی (۳۶۷)، هاتان الأداتان لیستنا للتمنی أصلاً، إلا أن الشاعر استعملهما معبراً عن التمنی (۳۵۴)، والمشاهد الكونیة لهی من أكثر الموضوعات تکراراً فی القرآن (۲۰۷) هی طلب الإقبال والمجىء والانتباه تبقى أيام على انقضاء السنة (۲۹۰)، و تستعمل له أدوات أخرى، وهی: (هل- لو- لعل- عسی) (۲۵۲).

در تعریفی که نویسنده از علم معانی داشته یک بخش دو بار تکرار شده که ظاهراً اشتباه تایپی است: «هو علم یدرس ظواهر تعبیریة كثيرة، كالأسالیب والتقدیم والتأخیر، والتعریف والتكیر، والذکر والحذف، والتعریف والتكیر، والتأكید وعدمه، والقصر وعدمه، والإیجاز والإطناب» (عبدالغنی بی تا: ۳۲۷).

۳.۵ کیفیت تحلیل و نقد آرای دیگران

از آن‌جایی که کتاب الكافی فی البلاغه بیش‌تر جنبه آموزشی دارد و نویسنده درصدد بوده است تا مفاهیم بلاغت سنتی را با شاهدهای متنوع به مخاطب تفهیم کند، در اغلب موارد، آرای سایر صاحب‌نظران و بلاغیان را به‌صورت نقل قول ذکر کرده است. و در برخی موارد هم به تحلیل آرای دیگران پرداخته است که نمونه‌هایی از آن ذکر خواهد شد.

در این خصوص، می‌توان به استناد مؤلف به سخن برخی از علما مانند عبدالقاهر جرجانی، ابی هلال عسکری، و رازی در تعریف فصاحت و بلاغت اشاره کرد که از نگاه آنان فصاحت و بلاغت، هر دو، به یک معناست یا در تعریف بهترین سخن به قول خالد بن صفوان استناد می‌کند: «بهترین سخن آن است که معانی‌اش ظریف و اصول آن شریف و گوش‌های شنوندگان از آن لذت ببرد» (بنگرید به عبدالغنی بی تا: ۳۵).

در خصوص نقل و تحلیل آرای دیگران می‌توان به مسئله وجود یا عدم وجود مجاز در لغت یا قرآن یا در هر دو اشاره کرد که پیوسته مورد مناقشه بوده است و صاحب کتاب الكافی نیز با نقل و تحلیل آرای دیگران به این مسئله می‌پردازد. او در ابتدا به اختلاف علما در این خصوص اشاره می‌کند و آنان را به سه گروه تقسیم می‌کند:

۱. گروهی که به وجود مجاز هم در لغت و هم در قرآن قائل هستند که عموم علما و مفسرین و اصولیین و لغویون و بلاغیون جزو این گروه هستند؛ ۲. انکار مجاز هم در لغت هم در قرآن که ابواسحاق اسفراینی، ابن تیمیه و ابن قیم جزو این گروه هستند؛ ۳. مجاز فقط در لغت وجود دارد نه در قرآن که افرادی چون ظاهری و فرزندش، محمد، و ابن قاص شافعی و منذر بن سعید بلوطی و معاصران شیخ علامه محمد امین شنیطی از جمله قائلان به وجود مجاز در لغت و عدم وجود آن در قرآن هستند (عبدالغنی بی تا: ۱۲۷).

او با تحلیل آرای موافقان و مخالفان نظراتی را در این خصوص بیان می‌دارد و آنچه از نظرش صحیح است با استدلال و مناقشه ارائه می‌دهد (همان: ۱۳۵).

در موردی دیگر، عبدالغنی در خصوص نام‌گذاری‌های بلاغیان و علما برای آنچه در قرآن آمده است به سخن خفاجی استناد می‌کند: «به‌گمانم آنچه باعث شده علمای بلاغت آنچه را در قرآن آمده فواصل بنامند و نه سجع به این خاطر بوده است که قرآن را از توصیفش به دیگر سخنان، مانند سخنان کاهنان، منزّه بدانند» (عبدالغنی بی تا: ۱۹۷). عبدالغنی با استنادی به حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که می‌فرماید: «أحیانا یأتینی مثل صلصلة الجرس وهو أشده علی» در نقد سخن خفاجی می‌گوید: «این‌گونه به‌نظر می‌رسد که در به‌کاربردن چنین عباراتی اگر به‌شکل صحیح آن فهمیده شود حرجی نیست» (همان).

نویسنده در بخش پایانی کتاب در مبحثی با عنوان «قال غیر العرب عن العربیه» به سخنان مستشرقان و غیرمسلمانان در خصوص ماهیت و جایگاه رفیع زبان عربی اشاره می‌کند. هرچند این بخش فاقد تحلیل و نقد این صاحب‌نظران است، اشاره به چنین سخنانی که جایگاه واقعی و ویژه زبان عربی را تبیین می‌کند نقش به‌سزایی در فهم درست از جایگاه زبان عربی نزد دانش‌آموزان و دانشجویان دارد که همین مسئله باعث ایجاد شوق و انگیزه بیشتر می‌شود و به شناخت ضرورت یادگیری زبان عربی، آن هم در سطح بلاغی و ادبی، کمک شایانی می‌کند.

۴.۵ میزان نوآوری اثر

اثر حاضر، از لحاظ ساختاری، همان روش بلاغیان قدیم را رفته است و فصول را براساس تقسیم‌بندی رایج از مباحث علم بیان، معانی، و بدیع نزد علمای قدیم آورده است.

برخلاف چهارچوب ارائه‌شده مؤلف از بلاغت و اقسام آن، که به شکل سستی است، در مقایسه با کتاب‌های آموزشی موجود، نوآوری‌هایی داشته است که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

نظریه‌این که نزول قرآن کریم و مبانی اسلام در پیدایش بلاغت نقش اساسی داشته است، مؤلف در مواردی می‌کوشد تا ارتباط بین مبانی اسلام و قواعد بلاغی را مورد تشریح قرار دهد.

برای نمونه، او در تعریف بلاغت و شروط آن به احادیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می‌کند که می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ يَبْغِضُ الْبَلِغَ مِنَ الرِّجَالِ الَّذِي يَتَخَلَّلُ بِلِسَانِهِ كَمَا تَتَخَلَّلُ الْبَقْرَةُ» یا به حدیثی دیگر از پیامبر صلی الله و آله و سلم در این خصوص اشاره می‌کند که می‌فرماید: «إِنَّ مِنْ أَحَبِّكُمْ إِلَيَّ، وَأَقْرَبَكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا، وَإِنَّ أَبْغَضَكُمْ إِلَيَّ، وَأَبْعَدَكُمْ مِنِّي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، الثَّرَثَارُونَ وَالْمَتَشَدِّقُونَ وَالْمَتَفِيهُونَ» (۳۶).

در مبحث توریه، سؤالی را مطرح می‌کند که حکم اسلام در مورد توریه چیست؟ که بر این اساس توریه را به چهار نوع تقسیم می‌کند و می‌گوید: «۱. اگر به باطل بینجامد حرام است؛ ۲. اگر به واجبی بینجامد واجب است؛ ۳. اگر بنا بر مصلحتی باشد جایز است؛ ۴. اگر غیر از این موارد باشد بهتر است زیاد مورد استعمال قرار نگیرد» (عبدالغنی بی‌تا: ۲۸۷). عبدالغنی برای هر یک از این موارد مثال‌هایی را با توضیحات کامل ذکر می‌کند. از همین روی، قواعد بلاغی را از قالب خشک و بدون استفاده خارج می‌کند و مخاطب را با یک بلاغت کاربردی آشنا می‌کند.

عبدالغنی، در کنار نگاه سستی به مسائل بلاغت اعم از بیان و معانی و بدیع، به مباحثی که در بررسی‌های جدیدتر مانند پدیده فاصله در قرآن کریم مورد توجه بوده است نیز می‌پردازد. او با تکیه بر آواشناسی با روش آماری به تحلیل و بررسی آواهای قرآن کریم می‌پردازد و اهم نتایج این بررسی را بدین گونه مورد اشاره قرار می‌دهد:

۱. همان‌گونه که مشاهده می‌کنیم حرف نون بیش از نصف فواصل قرآنی را تشکیل می‌دهد؛ ۲. بعد از حرف نون حرف میم ۳۸/۱۲ درصد و حرف راء ۱۱/۰۴ درصد و حرف دال ۴/۶۲ درصد از این حروف فواصل قرآن را تشکیل می‌دهد (عبدالغنی بی‌تا: ۲۰۳).

تشخیص و تجسیم از دیگر مسائلی است که آن را بیش‌تر در بلاغت جدید بلاغیان بسط داده‌اند و در کتاب‌های بلاغی قدیم بیش‌تر با عنوان استعارة مکنیه ذکر شده است، اما

عبدالغنی در فوائد بلاغی تشبیه به این موارد اشاره دارد و برای آن‌ها شاهد مثال‌هایی می‌آورد و، علاوه بر تشخیص و تجسیم، قاعده توضیح را بر این دو مورد می‌افزاید و در تعریف آن می‌گوید: «هرگاه هر دو طرف تشبیه محسوس یا هر دو طرف معنوی باشد، مانند «الجمیل سفینة الصحراء - الصدیق جنة خضراء».

از موارد دیگر که در مقایسه با کتاب‌های موجود جدید و نو به‌شمار می‌رود جدول توضیحی است که مؤلف در آن به اختصاص محسنات بدیعی به شعر یا نثر یا هر دو اشاره کرده است (بنگرید به عبدالغنی بی تا: ۱۶۷)

عبدالغنی، در مقایسه با هم‌ردیفان خود در عصر حاضر، که کتب آموزشی در زمینه بلاغت را به رشته تحریر درآورده‌اند، بخشی را در علم معانی با عنوان اسلوب بیان می‌کند. و با تقسیم اسلوب به چهار نوع ۱. علمی، ۲. ادبی، و ۳. علمی ادبی به ویژگی‌های هر نوع می‌پردازد و برای هر کدام نمونه‌هایی از متون شعری و نثری را از بزرگان ادبیات ذکر می‌کند (بنگرید به عبدالغنی بی تا: ۴۱۴).

عبدالغنی از مبحث تشبیه بلیغ تقسیم‌بندی دقیقی دارد؛ وی اقسام مختلف تشبیه را به صورت‌های مختلف مانند مفعول مطلق، اضافه تشبیهی، مبتدا و خبر، و حال و ذوالحال به‌خوبی تبیین می‌کند و این ذهنیت را که تشبیه بلیغ فقط به‌صورت مبتدا و خبر می‌آید می‌زداید و مخاطب می‌تواند حالات دیگر تشبیه بلیغ را متصور شود که چند نمونه آن در زیر ذکر می‌شود:

- تشبیه بلیغ به‌صورت حال و ذوالحال می‌آید: *هجم الجندی علی العدو أسداً؛*
- تشبیه بلیغ به‌صورت مفعول مطلق: *أسرع الحصان إسرار الطائر؛*
- اضافه تشبیهی: *ظهر مصباح الحضارة فی مصر* (همان: ۵۰).

در برخی از کتب دیده شده است که تشبیه بلیغ، که به‌شکل اضافه تشبیهی می‌آید، به‌عنوان استعاره مکنیه مورد اشاره و تحلیل قرار می‌گیرد که این نوع تقسیم‌بندی مؤلف کتاب *الكافی فی البلاغة* دانشجو را از سردرگمی و خلط مبحث رها می‌سازد.

یکی از بخش‌هایی که کتاب *الكافی* را در مقایسه با امثال خود متمایز ساخته است قسمت «الفائدة البلاغیة...» است که در پایان هر مبحث به کارکرد مباحث بلاغی از جهت اقناعی و زیباشناسانه می‌پردازد و همین مسئله باعث می‌شود تا قواعد بلاغی به‌صورت کاربردی برای مخاطب روشن و مشخص شود.

به‌عنوان نمونه، نویسنده در بخش «الفوائد البلاغیة للتعریض» بیان می‌دارد که با به‌کاربردن تعریض، علاوه بر این که مانند کنایه با سبکی غیرمستقیم براساس مقتضای حال عمل می‌کند،

از خفا و پوشیدگی بیش‌تری برخوردار است و هنگامی که صراحت باعث خشم و سرزنش و اتهام یا برملاشدن مسئله بر رقبا می‌شود تعریض مانند رمزی نماند، که در اصطلاح نظامیان به آن نامه محرمانه گفته می‌شود، عمل می‌کند (همان: ۱۰۹).

از دیگر خصیصه‌های این کتاب مقایسه نثر جاهلی با سبک و ادبیات قرآن کریم است؛ این مقایسه باعث می‌شود تا مخاطب وجه‌تمایز قرآن با سایر آثار ادبی را بداند و به اعجاز ادبی قرآن کریم پی‌برد. از جمله این‌که در بخش سجع، نویسنده به مقایسه بین نثر دوره جاهلی که در آثار خطبا به‌وفور یافت می‌شود و سجع قرآن می‌پردازد و یکی از شگفتی‌های قرآن را سجع بین حرف و کلمه می‌داند که تا قبل از آن در هیچ اثری وجود نداشته است؛ نمونه بارز آن در سوره قلم است که خداوند متعال می‌فرماید: «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» (همان: ۱۹۷).

عبدالغنی، برخلاف کتب بلاغی قدیمی که جمله را معیار بررسی‌های بلاغی خود قرار می‌دهند، سعی کرده است از واحد جمله فراتر برود و در برخی موارد یک متن متشکل از چندین جمله را معیار بررسی‌های بلاغی خود قرار دهد. وی در بخشی از کتاب خود، که درخصوص اعجاز لغوی قرآن کریم صحبت می‌کند، با ذکر چندین آیه از چند سوره ویژگی‌های اعجاز‌گونه قرآن کریم را مورد اشاره قرار می‌دهد. به‌عنوان نمونه، با استشهاد به آیات ۳۰ الی ۳۷ سوره حاقه و هم‌چنین آیات ۱ تا ۶ سوره مریم، نظر به فضای روانی سوره‌ها و موضوعات مطرح‌شده در هریک از سوره‌ها، ضرب‌آهنگ هر سوره را متفاوت از دیگری می‌داند که البته چنین تحلیل‌هایی از جانب بلاغیان معاصر مسبوق به سابقه است و عبدالغنی اولین کسی نیست که با این رویکرد کل‌نگر به تحلیل آیات سوره‌ها می‌پردازد.

۵.۵ میزان سازواری اثر با مبانی و اصول دینی و اسلامی

باتوجه به ماهیت موضوع که علوم بلاغی است و منتقدان ادبی مسلمان اساس آن را با نزول قرآن کریم بنا نهادند می‌توان گفت این اثر مانند سایر آثار در این حوزه، در راستای مبانی و اصول دینی و اسلامی تعریف می‌شود و هم‌چنین قرآن کریم به‌عنوان اصلی‌ترین منبع اسلام و روایات و احادیث معصومین علیهم السلام از سبک‌های بیانی و تصویری آکنده است و فهم دقیق آن ایجاب می‌کند که درک عمیقی از این سبک‌های بیانی داشت و هرچه این درک عمیق‌تر باشد طبیعتاً درک جامعه اسلامی از ارزش‌های اسلامی از گذر این متون دقیق‌تر خواهد بود و آثاری مانند کتاب ایمن عبدالغنی، که گامی مهم در راستای آموزش علم بلاغت با نیازهای روز بشری است، می‌تواند نقش مهمی در تحلیل و استنباط متون دینی داشته باشد.

گذشته از این که ماهیت این علم نشئت گرفته از مصادر و منابع اصیل اسلامی است، نویسنده هم در شاهد مثال‌ها و هم در حوزه تئوری از متون دینی مانند قرآن و روایات بسیار بهره جسته است. این مسئله وقتی مشهودتر می‌شود که نویسنده شرط بلیغ شدن را تتبع در کتاب خداوند عزّ و جلّ و احادیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌داند و می‌گوید: «هیچ راهی برای دست‌یازیدن به بلاغت وجود ندارد مگر به صورت پیوسته در کتاب خداوند عزّ و جلّ و احادیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نگریسته شود» (عبدالغنی بی تا: ۲۳).

عبدالغنی در کتاب خود، علاوه بر این که بخش اعظمی از شاهد مثال‌ها را از آیات و روایات انتخاب کرده است، برای شرح لغوی برخی از کلمات نیز به آیات و روایات استناد می‌کند؛ به عنوان مثال، در توضیح کلمه «القطا» در این بیت به حدیثی از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم استناد می‌کند:

أسرب القطا هل من يعير جناحه؟ لعلی إلی من قد هويت أظیر

حدیث مورد استشهاد صاحب کتاب الکافی فی البلاغة در خصوص کلمه القطا «من بنی لله مسجدا ولو كمفحص قطة لبيضا بنی الله له بيتا فی الجنة»^۱.

در فصل ششم از کتاب در توضیح معنای لغوی التصریع به این حدیث از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می‌کند: «مثل المؤمن كالخامة من الزرع، تفيؤها الرياح، تصرعها مرة، وتعدلها أخرى، حتى يأتيه أجله، ومثل الكافر مثل الأرزة المجذية على أصلها، لا يقلها شيء حتى يكون انجعافها مرة».

همان‌طور که در بخش نوآوری اثر گذشت، مؤلف در توضیح و تبیین تئوری مباحث بلاغی به اصول و مبانی اسلام مراجعه می‌کند؛ به عنوان مثال، در مورد این که اقتباس شعرا و ادبا از قرآن در بین فقها چه جایگاهی دارد می‌گوید:

سیوطی نقل کرده است که مذهب مالکی اقتباس را شدیداً حرام دانسته است اما مذهب شافعی، باین که اقتباس در دوره‌شان بسیار کاربرد داشته، نه قدما و نه معاصرین به آن نپرداخته‌اند و فقط گروهی از متأخرین به آن توجه داشته‌اند که از شیخ عزالدین عبدالسلام در مورد اقتباس سؤال شد و آن را جایز دانست و در این خصوص به قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم استناد جسته است که فرمود: وجهت وجهی للذی فطر السموات والأرض حنیفا وما أنا من المشرکین (عبدالغنی بی تا: ۳۱۲).

مبحثی دیگر که میزان سازواری اثر با اصول و مبانی اسلامی را نشان می‌دهد جایگاه مباحث بلاغی در مباحث فقهی است. از جمله آن ارتباط توریه که یک مبحث مرتبط با علم بدیع است با تقیه که اصل و ریشه قرآنی دارد (همان: ۲۸۲).

عبدالغنی، در راستای سازواری اثر با اصول و مبانی اسلامی، برخی از تقسیم‌بندی‌های بلاغیان قدیم را که به نظر او با ادبیات قرآن ناسازگاری دارد مورد انتقاد قرار می‌دهد؛ به عنوان نمونه، در بخش جناس ناقص می‌گوید: «بهتر است که نگوییم در قرآن جناس ناقص وجود دارد، چرا که قرآن خالی از نقص است و این تقسیم‌بندی از سوی بلاغیان صورت گرفته است» (همان: ۲۲۴). البته، بر کسی پوشیده نیست که این نام‌گذاری جناس ناقص برای تمایز بین جناسی است که در لفظ متشابه و در معنی متفاوت است با جناسی که فقط در حروف متشابه است و این که نام ناقص بر آن نهاده‌اند در مقابل جناسی است که در حروف آن ترتیب رعایت می‌شود و علمای بلاغت قصد نداشته‌اند نقصان به معنای واقعی آن را به قرآن نسبت دهند.

۶.۵ انطباق و جامعیت اثر

نام کتاب *الکافی فی البلاغه* مبین آن است که نویسنده سعی دارد مباحث بلاغی اعم از معانی، بیان، و بدیع را به شکلی جامع برای خواننده ارائه دهد، با تطبیقی که بین عنوان و محتوای کتاب و هم‌چنین فهرست کتاب، انطباق محتوا با عنوان مشهود است. بیان فهرست تفصیلی برای هر بخش از کتاب مبین این مسئله است که با نگاهی گذرا می‌توان به این نتیجه دست یافت. از سویی دیگر، اشاره به نظرات دیگر صاحب‌نظران در این خصوص، آن‌گونه که ذکر آن رفت، و هم‌چنین اشاره به مبانی و اصول اسلامی در راستای تبیین و ارتباط آن، با مباحث بلاغی بر جامع‌نگری کتاب افزوده است.

اشاره به آیات، روایات، و اشعار فراوان به عنوان شاهد مثال که تازگی آن‌ها در مقایسه با کتاب‌های موجود از ویژگی‌های برجسته کتاب است در خروج قواعد بلاغی از انحصار به شاهد مثال‌های محدود و شاذ بسیار مؤثر بوده است.

علاوه بر کیفیت مطالب و تمرین از لحاظ جامعیت، کمیت کتاب که نزدیک به پانصد صفحه است خواننده را برای آغاز و آشنایی با بلاغت کلاسیک از دیگر کتب مشابه مانند *جواهر البلاغه و البلاغه الواضحه* بی‌نیاز می‌کند.

اثر حاضر با سرفصل درس علوم بلاغی برای دوره کارشناسی در رشته زبان و ادبیات عربی و کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث کاملاً منطبق است و می‌توان آن را با ویژگی‌های اشاره‌شده به‌عنوان منبع درسی معرفی کرد.

درکنار مواردی که ذکر آن رفت و دال بر انطباق و جامعیت اثر دارد، تعریف ناقص و مبهم نویسنده از علم معانی جای نقد جدی دارد. عبدالغنی در تعریف علم معانی می‌گوید: «هو علم یدرس ظواهر تعبیریة كثيرة، کالأسالیب والتقدیم والتأخیر، والتعریف والنکیر، والذکر والحذف، والتعریف والتنکیر، والتأکید وعدمه، والقصر وعدمه، والإیجاز والإطناب» (عبدالغنی بی‌تا: ۳۲۷). در این تعریف به ذکر مصادیق علم معانی آن هم چند مورد نه همه موارد اکتفا شده است. اگر قرار بر این باشد که نویسنده در تعریف علم معانی به ذکر مصادیق بپردازد یا باید به همه آن‌ها اشاره کند یا یک تعریف مفهومی جامعی داشته باشد که این موارد را شامل شود. در تمام کتبی که علمای بلاغت به رشته تحریر درآورده‌اند در تعریف علم معانی به احوال کلام عربی براساس مقتضای حال اشاره شده است که همین مسئله نقشی اساسی در علم معانی دارد و در این تعریف اثری از آن نیست. مسئله دیگر که در تعریف نویسنده از علم معانی موردسؤال و ابهام است اشاره به اسالیب دارد و گفته است که علم معانی به اسلوب می‌پردازد که در تعریف اسلوب آورده است: «هو الطریق الذی یعبر به الکاتب عما یدور فی نفسه من أفكار وينقل عن مشاعره وأحاسیسه إلی القارئ والسامع» (همان: ۳۲۹). تعریفی که نویسنده از اسلوب داده است یک تعریف کلی است که می‌تواند علم بیان و حتی بدیع را نیز در بر بگیرد. از همین رو، نمی‌توان آن را تعریف دقیقی که فقط مرتبط با علم معانی باشد دانست.

۷.۵ به‌کارگیری ابزارهای مقدماتی

کتاب از میان ابزارهای علمی لازم برای تفهیم مطالب از دو مزیت برخوردار است؛ یک مزیت آن توجه و تکیه بر تمرین‌های متنوع است که هم در پایان هر فصل آمده و هم در پایان کتاب با عنوان تدریبات عامه اضافه شده است. خود مؤلف در این خصوص در بخش مقدماتی کتاب به این مسئله اذعان دارد و می‌گوید: «تمرین در شکل‌گیری ذوق هنری و فعال‌کردن استعدادهای فروخته‌شده نقش بزرگی دارد و دانشجو باید درکنار این تمارین ظرافت‌های ادبی را بخواند و به نقد و مقایسه آثار ادبی بپردازد» (عبدالغنی بی‌تا: ۲۳).

شاهد مثال‌های فراوان و متنوع و پرهیز از شاهد مثال‌های تکراری که در آثار مشابه آمده است و همچنین توضیحات مکفی در خصوص این شاهد مثال‌ها از دیگر ابزار مقدماتی است که باعث شد تا مخاطب در فهم مسائل به نگرش خوبی برسد.

با این که مؤلف از زبانی سلیس و روان برخوردار است و هم‌چنین تقسیم‌بندی‌های خوبی برای تفهیم مطالب انجام داده است، از جداول و نمودارها به جز دو مورد بهره‌ای نبرده است که استفاده از جداول و نمودارها می‌تواند به تسهیل روند یادگیری مخاطب کمک شایانی بکند.

در برخی موارد، نویسنده مواضع کاربرد مباحث بلاغی را برمی‌شمارد و همین مسئله به دانشجو کمک می‌کند تا علاوه بر فهم مباحث و نکات بلاغی از متون ادبی و فنی بتواند آن‌ها را در حین نگارش یا سخن گفتن به سبک ادبی مورد استفاده قرار دهد؛ مانند این که موضعی که بهتر است در آن از اطناب استفاده کرد و چند مورد را این گونه برمی‌شمارد:

۱. هنگام اقناع در خصوص مشکلات و مسائل فکری و آموزش علوم که فهم آن سخت و دشوار است؛ ۲. موعظه هم‌راه با تشویق و هشدار دادن؛ ۳. خطبه‌های حماسی به منظور برانگیختن حس دوستی و دشمنی و جلب رضایت و هم‌چنین برانگیختن خشم، چراکه برانگیختن عواطف و احساسات به اطناب در کلام نیاز دارد و ...

یا موضعی را مانند نامه پادشاهان و امرا به والیان و زیردستان خود، نامه سرزنش، اوامر، و نواهی شاهانه از جمله مواضع ایجاز می‌داند.

۸.۵ ارزیابی منابع

کتاب فهرست منابع و ارجاعات ندارد که بتوان به طور مستقیم به ارزیابی آن پرداخت. نویسنده در متن به صاحب نظران و علما و بلاغیانی ارجاع داده است که به جز شواهد شعری اغلب از قدماست.

نظر به این که موضوعات وارده در کتاب مربوط به بلاغت قدیم است، نویسنده در ارجاعات و نقل قول‌های خود به آرای قدما اشاره داشته است که از جمله آن‌ها می‌توان به عبدالقاهر جرجانی، ابن سنان خفاجی (ص ۱۹۸)، ابن نباته (ص ۳۴) ابی هلال عسکری، رازی و جوهری (ص ۲۵)، سیوطی (ص ۳۱۲-۳۱۳)، ائمه اربعه اهل سنت (۲۸۵) ابن کثیر (۲۸۵) اشاره کرد.

تحلیل و بررسی نقادانه کتاب الکافی فی البلاغۃ: البیان و البدیع والمعانی (موسی عربی) ۱۴۱

نویسنده در شاهدمثال‌ها از آیات قرآن، روایاتی از پیامبر صلی الله علیه و سلم و امام علی علیه السلام و خلفا (به نقل از پیامبر (ص)) و شعرای گذشته و معاصر بسیار استفاده کرده است.

۶. نتیجه‌گیری

مجموع آنچه گذشت می‌توان به‌طور خلاصه در دو بخش نقاط قوت و کاستی‌های کتاب مورد اشاره قرار داد:

۱.۶ نقاط قوت کتاب

- زبان اثر بسیار سلیس و روان است و هنگام خواندن اثر، احساس یک‌نواختی و خستگی به خواننده دست نمی‌دهد و هم‌چنین از لحاظ املائی و رعایت قواعد نگارشی کتاب در سطح خوبی قرار دارد و از اغلاط املائی و نگارشی خالی است.
- قلمی که مطالب با آن تایپ شده است، از لحاظ اندازه و شکلی، خوب ارزیابی می‌شود مخصوصاً این‌که نویسنده در انتخاب قلم آیات و روایات و شاهدمثال‌ها دقت لازم را کرده است که شاهدمثال‌ها به‌خوبی از اصل متن قابل تشخیص است و آیات قرآنی و روایات و اشعار به‌شکل دقیقی اعراب‌گذاری شده است که این مسئله کمک شایانی به فهم خواننده می‌کند.
- یکی از معایب کتب آموزشی بلاغت قدیم شاهدمثال‌های تکراری و احیاناً تک‌موردی برای برخی از قواعد بلاغی است که این اثر توانسته است با خروج از شاهدمثال‌های تکراری و منسوخ‌شده فرصت خوبی را برای ارتباط‌گیری و فهم خواننده فراهم آورد و او را متوجه این امر سازد که مسائل علم بلاغت قواعدی خشک و مخصوص به یک دوره خاص نبوده و نیست.
- تنوع شاهدمثال‌ها در قالب تمارین کاربردی و از متون مختلف اعم از آیات و روایات و اشعار دوره‌های مختلف خود را نشان می‌دهد و علاوه‌براین که در پایان هر فصل نویسنده تمارین خوبی گردآوری کرده است؛ در پایان کتاب بخشی با عنوان تدریبات عامه وجود دارد که این امکان را به خواننده می‌دهد تا خود را در معرض آزمونی جامع قرار دهد. در کنار تمارین، بخش تطبیقات عامه، که نویسنده تحلیل و بررسی کرده است، یک امتیاز مثبت برای اثر تلقی می‌شود.

- نویسنده در خصوص تحلیل آرای دیگران به صاحب نظران قدیمی ارجاع می‌دهد و در این خصوص به دو روش عمل کرده است؛ در مواردی به صرف نقل قول برای استناد سخن و تحلیل خود اکتفا می‌کند و در مواردی هم با تحلیل آرای مختلف به ابراز نظر می‌پردازد که از جمله آن مباحثی چون وجود یا عدم وجود مجاز در قرآن و لغت - تفاوت بین توریه و تقیه و ... است.
- اگر بلاغت را داری دو جنبه ذوقی و علمی بدانیم، نویسنده علاوه بر جنبه ذوقی و زیبایی‌شناسانه سعی کرده است نقش بلاغت را در مسائل دینی و فقهی و تفسیری تبیین کند. از همین روی، جایگاه توریه را در شرع و احکام مربوط به آن مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد.
- در برخی موارد، نویسنده در کنار رویکرد سنتی به بلاغت از دستاوردهای بلاغت جدید نیز استفاده می‌کند؛ مانند استفاده از آواشناسی در بیان فواصل قرآن و همچنین از مسائل بیانی مانند تجسیم و تشخیص که البته میزان آن خیلی قابل توجه نیست.
- استفاده پررنگ از آیات و روایات به عنوان شاهد مثال برای تفهیم مباحث بلاغی از مشخصه‌های بارز کتاب است.
- انطباق محتوای کتاب با عنوان و آنچه در فهرست تفصیلی آمده است.
- توضیح شاهد مثال‌ها، اعم از آیات و روایات و اشعار، به شکل مفصل و واضح به خودخوان بودن کتاب کمک شایانی می‌کند و دانشجو می‌تواند بدون کمک استاد یا معلم در بسیاری از موارد قواعد بلاغی مورد نظر را متوجه شود.
- اشاره به سخنان صاحب نظران و مستشرقان در خصوص جایگاه زبان عربی در بخش پایانی کتاب که در تبیین جایگاه رفیع زبان عربی نزد سایر ملل مؤثر است و مخاطب بهتر به جایگاه ویژه زبان عربی پی می‌برد.

۲.۶ کاستی‌های کتاب

- طرح جلد تناسب و هم‌خوانی با محتوای آن ندارد. علی‌رغم این‌که قلم اثر خوب ارزیابی می‌شود، قلم روی جلد اثر هم به دلیل نامناسب بودن و هم به دلیل ازدحام اسامی و عناوین باعث شده است تا جلوه بصری خوبی را شاهد نباشیم؛
- تعریف ناقص مؤلف از علم معانی در بخش آغازین فصل سوم؛
- یاء منقوص و مقصور در مواردی به اشتباه ثبت شده است؛

تحلیل و بررسی نقادانه کتاب *الكافی فی البلاغة: البیان و البدیع والمعانی* (موسی عربی) ۱۴۳

- کتاب دارای تقسیم‌بندی‌های خوبی است که عدم استفاده از جداول و نمودارهای آموزشی باعث شده است تا این تقسیم‌بندی‌ها به خوبی مشخص و بارز نباشد؛
- کتاب فهرست اعلام و نام‌ها و آیات و اشعار ندارد؛
- اثر بخش منابع و ارجاعات ندارد.

۷. پیش‌نهادها

- طراحی مناسب جلد و استفاده از قلمی مناسب برای عبارات روی جلد؛
- تصحیح کلماتی که یاء منقوص و مقصور به اشتباه در آن‌ها تایپ شده است؛
- بسط دادن مباحثی که بلاغت جدید به آن پرداخته است، مانند مواردی چون آواشناسی و تصاویر بیانی که در اثر حاضر تاحدی قابل مشاهده است؛
- اضافه کردن جداول و نمودارهای آموزشی به منظور تفهیم بهتر مطالب؛
- اضافه کردن فهرست اعلام، آیات، احادیث، اشعار، و نام‌ها و هم‌چنین اضافه کردن بخش ارجاعات.

پی‌نوشت

۱. هرکس برای خدا مسجدی بسازد، هرچند به اندازه جایی باشد که مرغ قطا (باقرقره گندمی) برای تخم گذاشتن انتخاب می‌کند، خداوند برای او خانه‌ای در بهشت بنا می‌کند.

کتاب‌نامه

- عبدالمطلب، محمد (۱۹۹۷)، *البلاغة العربیة: قرائة أخری*، لبنان: ناشرون.
- عبدالغنی، ایمن (بی تا)، *الكافی فی البلاغة: البیان و البدیع والمعانی*، قاهره: دار التوفیقیة.
- کیانی، حسین (۱۳۸۹)، «بررسی انتقادی تصحیح و ترجمه جواهر البلاغة»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۱۰.
- معز، محسن (۲۰۱۶)، *فكرة أیمن أمین عبدالغنی فی إعادة بناء تدریس النحو*، رسالة الماجستر، دانشگاه مالانج.